کتابخانه جامع
جامعة العلوم
معاونت پژوهش
مرکز تحقیقات علوم اسلامی
۱۳۸۵

مدرسه عالی فقه ومعارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه ومعارف اسلامی

عنوان:

ذبائح اهل الکتاب

استاد راهنما:

حجةالاسلام والمسلمین معین دقیق

محقق:

سید محمد کاظم موسوی

سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰

دسترسی به این اثر (پایان نامه) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی و پژوهشی و طبق قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و مقررات بعدی امکان‌پذیر است.

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۷۸۳
تاریخ ثبت:

بسم الله الرحمن الرحیم

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الفهرس الموضوعات

المقدمه: ۶

تمهید ۷

ماالمراد بأهل الكتاب ۷

القول الاول:

حرمة ذبائح أهل الكتاب مطلقاً ۱۲

الدليل الاول (الاصل) ۱۳

الدليل الثانی (الاجماع) ۱۵

الدليل الثالث: قوله تعالى: ۱۶

الدليل الرابع الركون للظالم: ۲۰

الدليل الخامس (الروايات) ۲۲

الطائفة الاولى: مادلّ المنع سواء سمى أم لم يسمِّ ۲۲

الطائفة الثانية مادل على المنع مع التصريح بلفظ اليهودى والنصرانى ۲۳

الطائفة الثالثة (مادل على أن الذبيحة بالاسم) ۲۵

الطائفة الرابعة (مادل على أنهم يقولون عليها باسم المسيح) ۲۹

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الطائفة الخامسة (مادل على تحسين فعل الامام لمن ترک اکلها منها. ۳۰

القول الثاني:

حلية ذبائح أهل الكتاب..... ۳۳
الدليل الاول (أصل الاباحة)..... ۳۴
الدليل الثانی قوله تعالی:..... ۳۵
الدليل الثالث قضية الذراع المسموم:..... ۳۹
الدليل الرابع (الروايات) ۴۰
الطائفة الاولی (ماورد بعنوان النهی عن ذبائح نصاری العرب.)..... ۴۰
الطائفة الثانية (ماورد بعنوان النهی عن ذبح الكتابی للاضحية)..... ۴۱
الطائفة الثالثة (ماورد بعنوان عدم البأس) ۴۳
الطائفة الرابعة (مادل علی حلية ذبائحهم و ان ذكروا عليها اسم المسيح).. ۴۶

القول الثالث:

التفصيل بين سماع التسمية فتحل و عدمه فتحرم ۴۹
الدليل الاول: (أصل الاباحة)..... ۵۰
الدليل الثانی: قوله تعالی:..... ۵۰
الدليل الثالث (الروايات)..... ۵۱
الطائفة الاولی: مادل علی جواز أكل ماذكر اسم الله عليه..... ۵۲
الطائفة الثانيه (مادل علی الحلية مع سماع التسمية) ۵۴

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ میشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الخلاصة

خلاصة ماتقدم ۵۸

رأى العامة فى ذبيحة الكتابي ۶۰

نتيجة البحث ۶۱

الحل الاول: الجمع الدلالي ۶۱

الامور التي تمنع من الالتزام بالحل الاول ۶۱

الحل الثانى حمل روايات الحل على التقية ۶۲

الامور التي تمنع من الالتزام بأكل الثاني ۶۳

تقييد الروايات الحليه بالضرورة ۶۴

النتيجه النهائية: الحرمة المطلقه كما عليه المشهور ..... ۶۵ - ۶۶

مصادر البحث ۶۷

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی·ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فنـاوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

المقدمه:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين، واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين.

لايخفى أن علم الفقه من أشرف العلوم التي حست الشريعة المقدسة علىٰ تعلّمه و تعليمه والترغيب اليه و الىٰ مذكراته و مدارسته بأفصح لسان و أبلغ بيان و لذا كانت سيرة السلف الصالح من علمائنا هي صرف أعمارهم في تحرير مسائله ذبائح أهل الكتاب، فاخترتها عنواناً لهذا البحث لكونها من السائل الخلافية بين الخاصة و العامة من جهة... و عند الخاصة من جهة اخرىٰ خصوصاً عند المتقدمين اصحابنا مضافاً الىٰ آنهاتعد منالمسائل المتبلىٰ بها في زماننا الحاضر.

و لذا بالفت في تتبع الاقوال و الآراء و الادله و ملاحظتها بعين الانصاف علىٰ وفق القواعد و الضوابط التي قررها علماؤنا في الفقه والاصول والرجال و لا أنسىٰ دور الاستاذ والشرف الشيخ معين دقيق حفظه الله و ما أسداه من توجيهات قيمه و نكات كان لها الاثر الهم فيْ اخراج هذا البحث بصورته هذه، وفقه الله و جميع المؤمنين لخدمة الشرع المقدس و جعلنا من الذابين و المدافعين عن شريعة سيد المرسلين و آله الطاهرين.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

تمهيد

ماالمراد بأهل الكتاب

قال العلامة في التذكرة: «و نعني بالكتاب من له كتاب حقيقة وهم اليهود والنصارىٰ و من لهم مشبهة كتاب و هم المجوسي»[1]

و ظاهره من له كتاب سماوي كالتوراة و الانجيل.

قال في مجمع البحرين «أهل الكتاب هم اليهود و النصارىٰ»[2]

و الطرسي في مجمع البيان في تفسير قوله «لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب و المشركين منفكين...» قال! يعنى اليهود والنصارىٰ.

و في الميزان «أهل الكتاب هم اليهود و النصارىٰ على ما هو المعهود في عرف القرآن»[3].

فان كان تحديد المراد من أهل الكتاب من لهم كتاب سماوي فلا اشكال في كون اليهود والنصارىٰ من أهل الكتاب.

و لاينبغي الاشكال أيضاً في عدالمجوس من أهل الكتاب أيضاً لوروده أيضاً في الروايات، فقد روىٰ الصدوق في التوحيد عن الاصبع بن نباته عن علي(ع) في حديث قال(ع) «سلوني قبل أن تفقدوني» فقام اليه الاشقت قيس فقال: «يا أمير

١- التذكره - العلامه الحلي - ج ٩ ص ٢٧٦.

٢- مجمع البحرين - الطريحى - ج ٥ ص ١٢٩.

٣- الميزان - العلامه الطباطبايى - ج ٥ ص ١٢٩.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

المؤمنين كيف تؤخذ من المجوس الجزية و لم ينزل اليهم كتاباً و لم يبعث اليهم نبي» قال: بلىٰ أنزل الله اليهم كتاباً و بعث اليهم رسولاً... الخبر[1].

و كذا في الكافي عن الصادق(ع) حين سئل عن المجوس أكان لهم نبى؟ فقال(ع: امام بلفك كتاب رسول الله(ص) الىٰ أهل مكة أن أسلحوا و إلا نابذتكم، فكتبوا الىٰ رسول لله(ص) أن خذ منا الجزية و دعنا علما عبادة الاوثان. فكتب اليهم اني لست آخذ الجزية إلا من أهل الكتاب، فكتبوا اليه - يريدون تكذيبه - زعمت أنك لا تأخذ الجزية إلا من أهل الكتاب ثم أخذت الجزية من مجوس هجر فكتب اليهم النبي(ص) ان المجوس كان لهم نبي فقتلوه، و كتاب أحرقوه...[2]

«و غير ذلك من الروايات حتىٰ قال العلامه: فالروايات متظافرة بأنهم أهل كتاب»[3].

و لذا لم يتبين لنا - مع ورود الروايات بأن لهم كتاباً معنىٰ من لهم شبهة كتاب و التمثيل له بالمجوس.

و أما العابئة..

فالظاهر أنهم ليسوا بأهل كتاب كما ورد في تفسير القمي قال(ع) الصابئون قوم لامجوس ولايهود ولانصارىٰ ولامسلمون، و هم يعبدون النجوم و الكواكب.[4]

و الطبرسي عند ذكر حكم أخذ الجزية من العابئة قال «و عندنا لايجوز ذلك لانهم ليسوا بأهل كتاب» و ظاهر التعبير ب (عندنا) يعني الاماميه فيكون ظاهراً في الاتفاق علىٰ ذلك.

و هذا هو صريح الغنيه. و ظاهر المحكي عن الفيه الاجماع علىٰ عدم كونهم من أهل الكتاب.[5]

---

١ - الميزان - العلامه الطباطبايى - ج ١۴، ص ٣۶٢.
٢- الكافي - الكليني - ج ٣، ص ۵۶٧.
٣- التذكرة - العلامه الحلي - ج ٩، ص ٢٧٩.
۴- نورالثقلين - الجويزي - ج ٢١، ص ٧١.
۵- الجواهر - النجفي - ج ٢١، ص ٢٣١.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ١٩۵٩٢٩/و تاریخ ١٣٩۵/٩/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (١٣۴٨) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

فتحصل أن أهل الكتاب من كان لديهم كتا سماوي كاليهود والنصارىٰ والمجوس.

و أما لو قلنا ان المراد بالكتابي من كان علىٰ دين و ملة نسخت بالاسلام من دون أخذ قيد (من لهم كتاب) كنا ورد التعبير به في كلمات الفقهاء كالعلامة في المختلف قال: «حرمة ذبائح الكفار مطلقاً سواء كانوا أهل ملة كاليهود والنصارىٰ و المجوس»[1].

و مثله في مفاتح الشرايع[2].

فالظاهر أيضاً انحصار الكتابي في باليهود والنصارىٰ والمجوس لماتقدم اذن فالكتابي هو من كان له كتاب سماوي أو من كان علىٰ دين او ملة منسوخة بالاسلام و هم اليهود والنصارىٰ والمجوس.

والله العالم.

١- المختلف - العلامه الحلي - ج ٨، ص ٣١٠.

٢- مفاتيح الشرائع - الكاشاني - ج ١، ص ٧٠.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد و آله الطاهرين، واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين.

و بعد... فقد وقع الكلام بين أصحابنا فى ذبائح أهل الكتاب من اليهود والنصارى بعد الاتفاق على حرمة ذبائح غيرهم من أصناف الكفار كالوثنى و عابد النار و كافر المسلمين كالمرتد والغلاة بلاخلاف، بل عليه الاجماع المحقق بين المسلمين.

قال المجلسى: اتفق الاصحاب... بل المسلمون على تحريم ذبيحة غير أهل الكتاب من أصناف الكفار سواء فى ذلك الوثنى و عابد النار و المرتد و كافر المسلمين و غيرهم.(١)

و قال فى الجواهر: بل فى المسالك و غيرها أنه مجمع عليه بين المسلمين.(٢)

و قال النراقى: بل عليه الاجماع... بل اجماع المسلمين فى عبارات المتقدمين والمتأخرين، بل هو اجماع محقق فهو الحجة فيه.(٣)

و مثله عن الاردبيلى فى شرح الارشاد.(٤)

و فى كفاية الاحكام قال: فلاأعرف خلافاً بين المسلمين فى تحريم ذبيحة غير

١- مرآة العقول - المجلسى ٢٢: ٢٣.

٢-الجواهر ٣٦: ٨٠.

٣-المستند - النراقى ١٥: ٣٧٨.

٤- مجمع الفائدة والبرهان - المقدس الاردبيلى.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

أهل الكتاب من أصناف الكفار سواء فی ذلک الوثنی وعابد النار والمرتد.[1]

و أما ذبائح أهل الكتاب: فقد اختلف فيها الاصحاب على أقوالٍ:

قال المفيد: اختلف أهل الصلاة فی ذبائح أهل الكتاب، فقال جمهور العامة باباحتها و ذهب نفر من أوائلهم الی حظرها. و قال جمهور الشيعة بحظرها، و ذهب نفر منهم الی مذهب العامة فی اباحتها.[2]

و قال المجلسی: اختلف الاصحاب فی حكم ذبيحة أهل الكتاب فذهب الاكثر و منهم الشيخان والمرتضی والاتباع و ابن ادريس و جملة المتأخرين الی تحريمها أيضاً، و ذهب جماعة منهم ابن عقيل و ابن الجنيد والصدوق الی الحل لكن شرط الصدوق سماع تسميتهم عليها.[3]

و قريب منه عبارة الاردبيل فی شرح الارشاد.[4]

والسبزواری فی كفاية الاحكام.[5]

قال المحقق فی الشرايع: و فی الكتابی روايتان أشهرهما المنع، فلا تؤكل ذباحة اليهودی والنصرانی و لاالمجوسی، و فی رواية ثالثة تؤكل ذباحة الذمی اذا سمعت تسميته... وفی مطروحة.

مطروحة.[6]

و قال السيد فی الرياض: و اما فی الكتابی فقد اختلف الاصحاب على أقوالٍ ثلاثه لاختلاف الروايات فيه عن أهل العصمة سلام الله عليهم.[7]

۱- كفاية الاحكام - السبزواری، ۲۴۶.

۲- رسالة الذبائح - المفيد ۹ المصنفات مجلد ۹.

۳- مرآة العقول ۲۲: ۲۳.

۴- مجمع الفائدة والبرهان ۱۱: ۶۹.

۵- كفاية الاحكام ۲۴۶.

۶- شرايع الاسلام - المحقق الحلی ۳: ۷۳۹.

۷- رياض المسائل - سيد علی الطباطبائی ۲: ۲۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

والذی یظهر من کلماتهم ان فی المسألة اقولاً ثلاثة:

الاول: الحرمة مطلقاً.

الثانی: الحلیة مطلقاً.

الثالث: القول بالتفصیل بالحلیة مع سماع التسمیة والحرمة مع عدمه.

القول الاول: حرمة ذبائح أهل الکتاب مطلقاً

و هو مذهب جمهور علماء الامامیة کالشیخ المفید والطوسی والسید المرتضی و أبی الصلاح و أبی حمزة و ابن ادریس والمحقق الحلی والشهید الاول و سائر المتأخرین و هو مشهور شهرة عظیمة بینهم.

قال العلامة فی المختلف: المشهور عند علمائنا تحریم ذبائح الکفار مطلقاً سواء کانوا أهل ملة کالیهود والنصاری والمجوس أو لا کعباد الاوثان والنیران و غیرهما، ذهب الیه الشیخان والسید المرتضی و سلار و ابن البراج و أبو الصلاح و أبو حمزة و ابن ادریس.(۱)

و قال النراقی: و هو مذهب المعظم کما صرح به غیر واحد من علماء الطائفة بل فی المسالک کاد أن یُعد من المذهب، و عن الخلاف والانتصار انهما جعلاه من منفردات الامامیه مدعین علیه الاجماع.(۲)

و فی الدروس قال: و هو اختیار المعظم.(۳)

و قال السید فی الریاض: أشهرهما روایة و فتوی مادل علی المنع مطلقاً و نسبه فی المسالک الی جملة من المتأخرین بل قد کاد أن یُعد من المذهب.(۴)

۱- المختلف - العلامة الحلی ۸: ۳۱۵.

۲- المستند ۱۵: ۳۷۹.

۳- الدروس - الشهید الاول ۲: ۴۱۰.

۴- الریاض ۲: ۲۷۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و فی الجواهر أنه المشهور شهرة عظیمة و کاد أن یکون من ضروریات المذهب.[1]

أدلة القول الاول: و قد استدل للقول الاول بالاجماع والکتاب والسنة والاصل.

الدلیل الاول (الاصل)

و قد استدل به المانعون عن ذبیحة الکتابی مطلقاً.

والاصل اما أن یراد به أصل الحرمة بمعنی القاعدة الاولیة، أو یراد به أصل عدم التذکیة أو کلاهما... و ظاهر عبارة الریاض هو الثالث.

قال: و منها أصالة الحرمة و عدم معلومیة التذکیة الشرعیة.[2]

والعطف یقتضی المغایرة فالاستدلال علی المنع یکون بأصل الحرمة و بأصل عدم التذکیة و یؤید ذلک ما فی المستند للنراقی..

حیث قال فی المسألة الاولی: الاصل فی کل حیوان مأکول اللحم حرمة أکله مالم یذک تذکیة شرعیة للاجماع المحقق.[3]

ثم قال فی المسألة الثانیة: ان الاصل فی کل عمل عدم کونه تذکیة شرعیة و هذا أحد معنیی أصالة عدم التذکیة. والدلیل علیه بعد الاجماع استصحاب الحرمة الثابتة.[4]

ثم ذکر معنی آخر لاصل عدم التذکیة فی المسألة الثانیة:

قال المسألة الثالثة: الاصل عدم وقوع التذکیة الثابتة بکونها تذکیة فلایحکم بها الا مع العلم بها و هذا المعنی الاخر لاصالة عدم التذکیة.[5]

۱- الجواهر ۳۶: ۸۰ - ۸۸.
۲- الریاض ۲: ۲۷۱.
۳- المستند ۱۵: ۲۷۴.
۴- المستند ۱۵: ۲۷۵.
۵- المستند ۱۵: ۲۷۷.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای اهداف علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و منه يظهر التغاير بين الاصلين فأصل الحرمة الذى يتمسک به لاثبات حرمة ذبيحة الكتابى عند الشک فيها غير الاصل الاخر و هو أصل عدم التذكية.

والاول يكون بمعنى القاعدة الاولية، والثانى يكون بمعنى الاصل الموضوعى و هو أصالة عدم التذكية عند الشک فى تحققها سواء كان الشک بنحو الشبهة الموضوعية.. كما اذا شک من جهة احتمال عدم وقوع التذكية عليه للشک فى تحقق الذبح أو بتخلف بعض الشرائط مثل كون الذابح مسلماً أو كون الذبح بالحديد و غيرها مع العلم بكون الحيوان قابلاً للتذكية.

و هنا تجرى أصالة عدم التذكية و يترتب عليها حرمة الاكل و عدم جواز الصلاة فيه او كان الشک فيه بنحو الشبهة الحكمية.

كما اذا كان الشک فى الحلية ناشئاً من الشک فى اعتبار شىء فى التذكية و عدمه كما اذا شككنا فى اعتبار كون الذابح مسلماً او الذبح بالحديد او غيره... فتجرى أيضاً أصالة عدم التذكية.

و فى محل الكلام - ذبيحة الكتابى - نشک فى تحقق التذكية بنحو الشبهة الموضوعية لاختلال شرط اسلام الذابح أو بنحو الشبهة الحكمية بأن نشک فى الحلية لاجل اعتبار شرط الاسلام.

فالاصل حرمة الاكل لعدم تحقق التذكية.[1]

و تثبت حرمة الاكل لانها مترتبة على التذكية الشرعية «الا ماذكيتم».

قال السيد الحكيم فى المستمسک: فان ماليس بمذكى بحكم الميتة شرعاً اجماعاً و نصوصاً سواء أكان من معانى الميتة أم لا.[2]

١- مصباح الاصول - السيد الخوئى ٢: ٣٠٩.

٢- المستمسک - السيد الحكيم ١: ٣٢٣.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و قال السيد الشهيد الصدر: ان الاصل عند الشک فی التذکیة هو عدمها بلحاظ حرمة الاکل و عدم جواز الصلاة و أصالة الطهارة بلحاظ النجاسة.(۱)

فحرمة الاکل تثبت باستصحاب عدم التذکیة و یتم دلیل المانعین و هو التمسک بالاصل المذکور.

و اما النجاسة ففی ثبوتها بالاصل المذکور خلاف بین الاصحاب خارج عن محل البحث.

الدلیل الثانی (الاجماع)

و هو المنقول عن الشیخ والسید المرتضی کما فی الخلاف والانتصار.

قال الشیخ فی الخلاف: لاتجوز ذبائح أهل الکتاب الیهود والنصاری عند المحصلین من أصحابنا... دلیلنا اجماع الفرقة و اخبارهم.(۲)

و قال السید فی الانتصار: و مما انفردت به الامامیه ان ذبائح أهل الکتاب محرمة لایحل اکلها و لاالتصرف فیها... دلیلنا علی صحة ماذکرناه الاجماع.(۳)

و قال فی الجواهر: بل استقر الاجماع فی جملة من الاعصار المتأخرة عن زمن الصدوقین علی ذلک بل والمتقدمة کما حکاه المرتضی والشیخ بعد اعترافهما بأنه من منفردات الامامیة بل کاد أن یکون من ضروریات المذهب.(۴)

والصحیح أنه اجماع منقول والاجماعات المنقولة لیست حجة مضافاً الی أنه محتمل المدرکیه لماسیأتی فی البحث الروائی من استفاضة الروایات علی المنع.

و ظاهر عبارة الجواهر تحصیل الاجماع لولا مخالفة مثل الصدوق والعمانی

۱- بحوث فی شرح العروة - السید الصدر ۳: ۱۳۸.
۲- الخلاف - الشیخ الطوسی ۳: ۲۴۹.
۳- الانتصار - السید المرتضی ۱۸۸.
۴- الجواهر ۳۶: ۸۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادهها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

نعم... يمكن أن يقال أن هذا المقدار خصوصاً ما ذكره صاحب الجواهر يؤيد قيام الشهرة العظيمة على المنع بين المتقدمين والمتأخرين.

الدليل الثالث: قوله تعالى:

«وَ لاٰتَأْكُلُوا مِمّا لَمْيُذْكَرِ اسْمُ اللّٰه عَلَيْهِ وَ اِنَّهُ لَفِسْقٌ» (١)

والآية صريحة في النهي عن أكل مالم يذكر اسم الله عليه و شمولها لاهل الكتاب بدعوى أن أهل الكتاب لايذكرون اسم الله على ذبائحهم لانهم لايرون التسمية فرضاً و لا سنة.. فتكون محرمة بنص الكتاب لانها جعلت في الشريعة شرطاً لاستباحة الذبيحة.

و لو فرض أن النصراني تلفظ بها عند الذبح فانما يقصد الاله الذى يقصده أنه أبوالمسيح وكذا اليهودى انما يقصد الاله الذى هو عزير ابنه أو أنهم يذكرون الله و يريدن به المسيح.

فوجود هذا اللفظ منهم كعدمه.. و بذلك تدل على حرمة ذبائحهم و ان سمّوا عليها.

قال المفيد: حظر الله سبحانه بتضمن هذه الاية أكل كل مالم يذكر عليه اسم الله من الذبائح دون ما لم يرده من غيرها بالاجماع والاتفاق.(٢)

وفي تفسير القمي: قوله:

«وَ لاٰتَأْكُلُوا مِمّا لَمْيُذْكَرِ اسْمُ اللّٰه عَلَيْهِ»

قال من ذبائح اليهود والنصارى و ما يذبح على غيرالاسلام.(٣)

١- الانعام / ١٢١.

٢- رسالة الذبائح ٢٠.

٣- تفسير القمي ١: ٢١٥.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و فی مجمع البیان: قوله

«وَ اِنَّهُ لَفِسْقٌ»

یعنی و ان أکل مالم یذکر اسم الله علیه لفسق و فی هذا دلالة علیٰ تحریم أکل ذبائح الکفار أهل الکتاب و غیرهم من سمی منهم و من لم یسمِّ لانهم لایعرفون الله تعالیٰ.(۱)

و علی ذلک فقد دلّت الایة باطلاقها علی حرمة اکل ذبائح أهل الکتاب لانهم لایذکرون اسم الله علیها و ان ذکروا التسمیة فانما یریدون غیره فلم تقع منهم التسمیة الصحیحة التی جُعلت شرطاً فی الاباحة... بل لایصلح منهم القصد الیها.

و فی تفسیر جوامع الجامع: قال: و فیه دلالة علی تحریم ذبائح أهل الکتاب ایضاً لانه لایصلح منهم القصد الی ذکر اسم الله تعالی.(۲)

و قد أورد الشهید فی المسالک علی الاستدلال بالایة عدة ایرادات.(۳)

الایراد الاول: أن النهی فی آلآیة توجه الی مالم یذکر اسم الله علیه سواء کان الذابح مسلماً ام کافراً و مقتضا مع قوله «فَکُلُوا مِمّا ذُکِرَ اسْمُ اللّه عَلَیْهِ»

ان مایسمی علیه مباح أکله سواء کان الذابح مسلماً ام کافراً فالمنع من حیث عدم التسمیة لا من حیث الکفر.

والجواب عنه: بمنع الاطلاق فی آیة،«فَکُلُوا مِمّا ذُکِرَ اسْمُ اللّه عَلَیْهِ»

و أنها لیست في مقام البیان من جهة سائر الشرائط بل الایة فی مقام بیان اشتراط التسمیة فی حلیة الذبیحة و ساکتة عن بقیة الشرائط المعتبرة فی حلیة الذبیحة من فری الاوداج والاستقبال واسلام الذابح.

۱- مجمع البیان ۴: ۵۵۳.

۲- جوامع الجامع - الطبرسی ۱۳۵.

۳-المسالک - الشهید الثانی ۲: ۱۸۰.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

و لذا لا يلتزم حتى الشهيد نفسه باطلاق الاية بحلية الذبيحة التى نسمى عليها مع فرى بعض الاوداج... و يأتى ذلک مفصلاً فى أدلة القائلين بالحلية.

الايراد الثاني: انه من أين لكم أن الكافر لا يسمى على الذبيحة، فان المراد من التسمية هنا ذكر اسم من اسماء الله تعالى.

والجواب عنه: ان ذلک يحرز بالاصل فالاصل عدم وقوع التسمية الصحيحة التى هى شرط فى استباحة الذبيحة خرج منه المسلم بحمل فعله على الصحة بالاجماع و مادل على أمارية يده على التذكية و سوق المسلمين.

الايراد الثالث: انه لوكان العلم بالتسمية شرطاً لزم مثله فى المسلم و لاتقولون به.

والجواب: بل نقول لا يلزم مثله فى المسلم و ذلک لان عمل المسلم يحمل على الصحة بخلاف الكتابى والكافر مع ان الروايات الاتية الدالة على أن الذبيحة بالاسم و لا يأمن عليه الا المسلم كافية فى عدم لزوم المثل فالمسلم يؤتمن على التسمية و لايكون العلم بها فى حقه شرطاً و لما دلّ على امارية يد المسلم على التذكية و حجيته سوق المسلمين.

و لذا لو ذبح المسلم فى مكان خال من دون أن يسمع أحد تسميته حلت ذبيحته و لا يشترط فى مثله العلم بها اما فى الكافر فليس الامر كذلک.

الايراد الرابع: ان الكافر الكتابى مقر بالله و ما ينسب اليه من التثليث بان عزير ابن الله والمسيح ابن الله و نحو ذلک لا يخرجه عن اصل الاقرار بالله تعالى و هذه الالحاقات و ان أوجبت الكفر لا يقتضى عدم ذكر الله فانه يذكر الله فى الجملة و ذلک كافٍ... فيكون حالهم حال بقية فرق المسلمين ممن ينسب الى الله اموراً و لا يخرجه ذلک عن أن يذكر الله كذلک.

والجواب عنه: انه لوصح ذكر الله فى الجملة لاستباحة الذبيحة كما يدعى

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادها، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

الشهيد لصح ذلک من المشرک و عابد الوثن فانه يعتقد ان عبادته للوثن تقربه الى الله زلفى فقد شاركوا اليهود والنصارى بالاقرار بالله فى الجملة.

فان كان الاقرار فى الجملة لايمنع من استباحة ذبائح اليهود والنصارى كما يدعى فلابد أن يلتزم بأنه بغير مانع فى عابد الوثن أيضاً و هو خلاف الاجماع المحقق بين المسلمين كما تقدم مع أن فى رواية الحسين بن المنذر أنهم ليسوا من أهل التوحيد، قلت اى شيء قولک فى ذبائح اليهود والنصارى؟

قال عليه السلام: الذبيحة بالاسم و لايؤمن عليها الا أهل التوحيد[1] و ظاهرها أنهم ليسوا من أهل التوحيد.

و قد يستدل على أنهم كفار بأنهم كفروا بماجاء به عيسى و موسى من الاخبار بنبوة النبى صلى الله عليه وآله.

و لذا ورد فى بعض الاخبار جواز أكل ذبيحة الكتابى الذى يكون على أمر موسى و عيسى أى مصدقاً بماجاء به و هو الايمان بنبوة النبى صلى الله عليه وآله.

و قال تعالى: «وَ كانُوا مِنْ قَبْلِ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمّا جاءَهُمْ ماعَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللّهِ عَلَى الْكافِرِينْ»

فى تفسير القمى: قال فلما خرج رسول الله صلى الله عليه وآله كفروا به.[2]

و قد استدل المفيد على كفرهم و جحدهم للربوبية بانكار الرسالة و اعتقاد كذب النبى صلى الله عليه وآله والاعتقاد ببطلان نبوته.[3]

مع أن قياسهم على بقية فرق المسلمين باطل.

الايراد الخامس: ان قوله «و انه لفسق»

١- أبواب الذبائح ب ٢٦ ح ٢.

٢- تفسير نور الثقلين - الحويزى ١: ٨٥.

٣- رسالة الذبائح ٢٠.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهاده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.

كما يحتمل العطف يحتمل كونه حالاً والتقدير لاتأكلوا ممالم يذكر اسم الله عليه فی حالة كونه فسقاً و قد فسره بقوله (أهل لغير الله به) فلا يكون النهی عن أكله مطلقاً بل فی هذه الحالة.

ثم قال الشهيد و وبما يترجح الحال على العطف من حيث ان الجملة المعطوف عليها انشائية و قوله (و انه لفسق) خبرية و عطف الخبرية على الانشائية ممنوع عند علماء البيان و محققی العربية و عليه فلادلالة للاية على اعتبار التسمية على الذبيحة مطلقاً.

و قد أجاب عنه البهائی: بأن احتمال العطف قائم و أنه من قبيل عطف القصة على القصة و أيده بشواهد من (الكشاف و شرح المفتاح) على عدم لزوم تناسب الجملتين فی الخبرية والانشائية فی العطف. و قد اختار ابن كثير فی تفسير الاية آنهاللعطف.

فلا يرد على الاستدلال بالاية شیء مما أورده الشهيد.

الدليل الرابع:

ماذكره الشهيد فی المسالک[1] والعلامة فی المختلف[2]

الاستدلال بالاية الشريفة

«وَلاتَرْكَنُوا اِلَى الَّذينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النّارُ»[3]

و تقريب الاستدلال بها...

أن الرجوع الى الكفار فی الذبح ركون الى الظالم فيندرج تحت النهی فی قوله

١- المسالک ٢: ١٨٠.

٢- المختلف ٨: ٣١٧.

٣- هود / ١١٣.

دسترسی به این مدرک بر پایهٔ آیین‌نامهٔ ثبت و اشاعهٔ پیشنهادده‌ها، پایان‌نامه‌ها، و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و صیانت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شمارهٔ ۱۹۵۹۲۹/و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدف‌های علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایهٔ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوط شدنی است.